

اعمال فشار بر کارگران، دستگیری فعالان کارگری و راهکارهای ما

کمیته هماهنگی

شنبه بیست یکم دی ۱۳۸۷

وضعیت روززندگی کارگران هرروز و هرلحظه وخیم ترمی شود. رشد سرسام آور تورم و گرانی بر دوش کارگران سنگینی می کند. دستمزد ناچیز کارگران در برابر موج روزافزون تورم و گرانی مایحتاج اولیه زندگی همچون دانه برفی در مقابل اشعه سوزان خورشید به سرعت آب می شود. کارخانه ها و مراکز کار و تولید یکی پس از دیگری تعطیل می شوند. هر روز هزار هزار کارگر اخراج و به خیل میلیون ها کارگر گرسنه و بیکار افزوده می شوند. سرمایه داران چه از نوع خصوصی و چه از نوع دولتی سرمایه های خود را به حوزه های پرسودتر منتقل می کنند یا به بهانه عدم سود دهی شرکت هایشان و کم کردن از بار مخارج خود کارگران قدیمی و استخدامی را با نیروی کار جوان تر و ارزان تر کارگران جدید با قرارداد های موقت چند روزه جایگزین می کنند. هر کارگر تازه وارد باید به جای چند کارگر اخراجی کار کند و یک سوم حقوق یک کارگر قدیمی را هم نگیرد. متاسفانه شاهدیم که کارگری که ماه ها بیکار بوده و برای یافتن کار به هر دری زده برای حفظ کار خود به هر شرایطی تن می دهد. این قانون سرمایه است که با تکیه بر ارتش ذخیره کار کارگران بیکار و نشان دادن دره هولناک بیکاری و گرسنگی به این کارگران شرایط بردگی مزدی را به کارگران تحمیل کند. این روزها کاملا عادی شده و به شیوه معمول کارفرمایان و سرمایه داران تبدیل شده که حقوق کارگران را تا ۹ ماه و ۱۰ ماه عقب بیندازند. کارگر چند ماه کار کند و قرض بگیرد و گرسنگی بکشد تا بالاخره حقوق یک ماهش را بگیرد. این عادی شده که همان چندرغاز ۲۲۰ هزار تومان پایه حقوق کارگری مصوب دولت روی کاغذ بماند و سطح دستمزد ها به زیر ۱۰۰ هزار تومان در ماه کاهش پیدا کند. از همین حالا هم که می شنویم که قرار است برای سال آینده هیچ پایه حقوق مصوبی در کار نباشد و دولت به کارفرمایان و سرمایه داران اجازه می دهد که هر قدر دلشان بخواهد به کارگران حقوق بدهند. واقعا که با حمایت مطلق دولت از توحش سرمایه داری اعمال هر جنایتی علیه کارگران بسیار بسیار آسان شده است. وزیر رفاه دولت سرمایه چندی پیش در یک سخنرانی در کرمانشاه گفت که در کشور ما فقیرترین خانواده ها ماهی ۱۰۰ هزار تومان خرج می کنند در حالی که بخشی از آن را قرض می کنند. عنی درآمد فقیرترین خانواده ها در جامعه ما به ۱۰۰ هزار تومان هم نمی رسد. و این در حالی است که ثروتمندترین خانواده ها یک میلیون و چهارصد هزار هزار تومان در ماه خرج می کنند و ماهی دوازده میلیون تومان پس انداز می کنند. یعنی به گفته وزیر رفاه دولت سرمایه که وظیفه اش تامین رفاه عمومی است فاصله طبقاتی بین فقیرترین و ثروتمندترین خانواده ها بیش از صد و بیست برابر است. مسلم است که طبقه کارگر امروز در قعر این دره عمیق فاصله طبقاتی قرار دارد، در حالی که خود تولید کننده این کوه عظیم ثروت هاست که به سرمایه های عظیم سرمایه داران تبدیل می گردد.

دولتمردان و اقتصاد دانان آن ها گوش فلک را از شکایت در باره وضعیت بد اقتصادی، بحران اقتصادی سرمایه داری، تنزل قیمت نفت به زیر یک سوم پر کرده اند. بخش های دیگر سرمایه داران از سیاست های غلط اقتصادی

دولت شکایت می کنند و مدعی هستند خودشان بهتر بلدند چه کار کنند. اما مگر وقتی نفت را در بالاترین قیمت در طی ده های گذشته می فروختند وضعیت کارگران بهتر از این بود؟ مگر سرمایه داری دولتی کمتر از سرمایه داری خصوصی یا سرمایه داران داخلی کمتر از سرمایه داران خارجی شیره جان کارگر را می مکند؟ ما همه نوع آن را دیده ایم. سرمایه از استثمار کارگر برحجم کوه آسای خود می افزاید ، خود قدرتمند تر و عظیم تر و فربه ترمی شود و کارگر به همان نسبت فقیرتر و ضعیف ترمی گردد. برای کارگر چه فرقی می کند و در عمل چه فرقی کرده است که این سرمایه داری دولتی باشد یا خصوصی، و سرمایه داران داخلی باشند یا خارجی. موضوع این است که سرمایه در هر حال تسمه از گرده کارگر میکشد و بدترین شرایط بردگی مزدی را به کارگر تحمیل میکند، اگر کارگر به آن تن دهد. طبیعی است که کارگر به شرایط زندگی خود اعتراض کند و برای تغییر آن دست به مبارزه بزند. امروز این مبارزه به مبارزه بر سر مرگ و زندگی تبدیل شده است. کارگری که به تعطیلی کارخانه و به اخراج خود اعتراض می کند، با سرکوب نیروهای انتظامی و امنیتی روبه رو می شود. این روزها شاهد فشار هر چه بیشتر بر فعالان کارگری هستیم. موج دستگیری، محاکمه و زندانی کردن فعالان کارگری هر روز شدت می گیرد. دولت در دفاع از امنیت سرمایه مثل همیشه شمشیر را از رو بسته است، در کارزار میان کارگر و سرمایه دار با تمامی ساز و برگ پلیسی و قدرت سرکوب پشت سر سرمایه داران سنگر گرفته است و با بی رحمی تمام به جان کارگران معترض افتاده است. دولت سرمایه سعی می کند با دستگیری و محاکمه فعالان کارگری آنان را از توده کارگران جدا کند و با عقب راندن توده های کارگر از طغیان موج اعتراض آنان جلوگیری کند. اما چاره کار چیست؟

کارگران!

مبارزات روزمره ما نشان داده که اعتراضات پراکنده و جدا از هم در مراکز کار و تولید راه به جایی نمی برد. این مبارزات باید به هم پیوند بخورد تا به نیرویی علیه سرمایه داری تبدیل شود ، به نیرویی موثر که بتواند به سرمایه تعرض کند و توازن قوا را به نفع ما کارگران تغییر دهد. کارگران در کارخانه ها و مراکز در معرض تعطیل همه وضعیتی مشابه هم دارند و از مشکلاتی مانند هم رنج می برند. این کارگران باید با هم ارتباط برقرار کنند و مبارزاتشان را با هم هماهنگ کنند. کارگران کارخانه ها و مؤسساتی که هنوز سر پا هستند باید بدانند که این شتری است که در خانه آنها هم خواهد خوابید. آن ها باید از هم طبقه ای ها و هم زنجیران خود در مراکز در معرض تعطیل حمایت و پشتیبانی کنند. برای این کار ما همه جا نیاز به تشکلی داریم که به نیروی خود کارگران ایجاد شود و بر نیروی آحاد کارگران تکیه کند. آحاد کارگران را در تصمیم گیری ها شرکت دهد و شورایی عمل کند. سندیکا و سندیکا سازی و هر نوع تشکلی که به جای ساختار شورایی، ساختار هیئت مدیره ای داشته باشد، به جای روی کردن به آحاد کارگران، سیاست مذاکره از بالا و در غیاب کارگران را پیش گیرد و به جای اتکاء به قدرت متحد و متشکل ضد سرمایه داری توده های کارگر به قانون و قانونیت توسل جوید نه تنها دردی از ما کارگران درمان نمی کند، که مانع پیش روی مبارزه ما کارگران خواهد بود. ما تشکلی می خواهیم که ساختار شورایی داشته باشد. به نیروی کارگران تکیه کند و اساس نظام سرمایه داری و کار مزدوری را که منشا همه نکبت ها و ذلت ها و بدبختی های ماست آماج حمله خود قرار دهد. ما نیاز به تشکلی سراسری، شورایی و ضد سرمایه داری داریم. ما نیاز به تشکلی

داریم که به نیروی آن بتوانیم به سرمایه تعرض کنیم، مطالبات خود را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنیم و سرانجام نظام بردگی مزدی را از پای در آوریم.

ما همواره گفته ایم و باز تاکید می کنیم که برای جلوگیری از تعطیل کارخانه های در معرض تعطیل و برای جلوگیری از بیکاری و گرسنگی باید این کارخانه ها را به تصرف خود در آوریم و این کار را تنها با تکیه بر نیروی شورایی خود و یا شرکت دادن آحاد کارگران در این مبارزه، با پیوند زدن مبارزه خود با دیگر کارگران در سایر مراکز کار و تولید می توانیم انجام دهیم. این کار تنها با ایجاد تشکل سراسری شورایی و ضد سرمایه داری کارگران امکان پذیر است. بی تردید با چنین نیرویی است که می توانیم از ادامه روند فشارها ی کنونی و همچنین دستگیری فعالان کارگری جلوگیری کنیم و با اعمال قدرت طبقاتی خود کفه ترازو را به نفع طبقه کارگر سنگین سازیم. وقتی توده کارگران متشکل در شورای سراسری خود در صحنه مبارزه باشند، دستگیری چند فعال کارگری هر چند هم که موثر و با نفوذ باشند، هرگز نخواهد توانست آن ها را از توده کارگران جدا کند و کارگران را به عقب راند.

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۰ دی ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

hamaahangi@gmail.com